

بحران در تولیدات کشاورزی

ضرر برای تولیدکننده

گرانی برای مصرف کننده

سود بی رویه برای واسطه



حبيب الله بصيرى - کارشناس کشاورزی

تصمیماتی که تصمیم‌گیرنده از تبعات آن بی‌خبر است، باعث خسارت روحی و مادی برای تولیدکننده می‌شود. اکنون کارخانجات کافی برای تبدیل محصولات باغی به کمپوت، آب میوه، میوه خشک، پوره و سایر محصولات و یا تبدیل پیاز به پودر پیاز خشک و تبدیل سایر محصولات وجود ندارد و هر کسی مانند من بدون پارتی و آشنا (زیرا سالها در خارج بوده) در حالی که به روش‌های تولید و تبدیل آشنا شده اگر بخواهد یکی از پروژه‌هایی که آموخته است را در ایران پیاده کند، بایستی از هفت خان رستم بگذرد و حتی اجاره گرفتن و تبدیل اندکی از زمین خود به سردخانه یا کارخانه میوه خشک‌کنی امری بس مشکل و گاهی غیر ممکن است!!

همچنان که امروز به انتقادات سازنده‌ی من که در زیر ذکر می‌کنم کسی توجه نمی‌کند و یک عده بی‌اطلاع که در عمر خود یک خوشه گندم یا یک درخت سنجد نروبانده‌اند برای همه کشاورزان تصمیم می‌گیرند به همین دلایل ساده به طرح تولید نهال میوه با باردهی عالی و محصول خوب از طریق کشت بافت توجه نکردند و امکانات در اختیار اینجانب قرار ندادند و با طرح مدیریت جامع اراضی ایران را که به اتفاق ۷ نفر از بهترین متخصصین استرالیایی برای جنوب کشور نوشتیم در گوشه‌ای انداختند و ۷ سال است که تقاضای یک قطعه بیابان از میلیون‌ها هکتار بیابان این کشور (که از مرتع به صورت بیابان درآمده است) نموده‌ام که

با استفاده از تکنولوژی‌های نو آن را تبدیل به یک مرتع مفید بنمایم. به جای تشویق و ترغیب و کمک‌های مادی و معنوی، تازه سه چهار جوان از همه جا بی‌خبر را در مقابل من قرار می‌دهند که بگویند با استفاده از ماشین‌آلات کشت مرتع، زمین را تخریب می‌کنید در حالی که قطعه زمینی که قرار است برای این کار در نظر بگیریم جای تخریب

ندارند در حسرت یک کیلوی آن باقی ماندند.

به رییس تعاونی بارفروشان گفتم وقتی شلیل را آوردیم گفتید قیمت آن ۴۰۰ تومان است و وقتی آمدیم وجه آن را دریافت کنیم گفتید کیلویی ۳۰۰ تومان و تازه ده درصد آن را هم حق‌الزحمه برداشتید و خدا می‌داند به چه قیمتی و به چه کسی فروختید! ایشان گفت طرز کار ما همین است. امسال میوه فراوان است و قیمت ندارد گفتم چرا صادر نمی‌کنید گفت عرب‌ها از ما نمی‌خرند!! گفتم چرا؟ گفت مشکل سیاسی است گفتم چرا شلیل و هلو بایستی از آمریکا بیاید در همسایگی ما فروش رود با قیمت کیلویی ۳۰۰ و ۴۰۰ تومان و محصول ما بایستی زیر درختان بگنجد و از بین برود؟ گفت: وضع همین است که می‌بینید.

امسال واقعا برای تولیدکنندگان کشاورزی سالی پرزحمت و خسارت بود. با اینکه بارندگی خوب بود و محصولات دیم مانند گندم به نتیجه رسید، ولی تولیدکننده هندوانه در جیرفت خسارت شسته‌زدگی و کم‌ارزشی محصول را داشت و تولیدکننده پیاز اکنون عزای محصول خود را گرفته زیرا با خارج کردن افغان‌ها و کار نکردن و یا کم‌کاری کارگران ایرانی و نبودن تکنولوژی‌های نو در جهت کشت و برداشت مکانیزه با کارگر ایرانی روزی ۱۵۰۰۰ تومان و سایر هزینه‌ها برداشت پیاز و فروش آن به کیلویی ۶۲ تومان واقعا گریه‌آور است.

عدم برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی و

دوستم می‌گفت امروز صبح منتظر شما در میوه‌فروشی سر خیابان که از آشنایان است، ایستاده بودم. سبد گلابی خریداری شده با فاکتور را از بنگاه میوه‌فروش خریده بود کیلویی ۲۵۰ تومان توی پیش‌خوان مغازه خالی کرد و اتیکت هزار تومان روی آن گذاشت.

بعد که به باغ رسیدیم مهندس گفت رفته بودم پول هلوهای زعفرانی روز قبل را از بنگاه بگیرم گفتند کیلویی ۵۰ تومان فروش رفته است. شلیل درجه یک کیلویی ۳۰۰ تومان و هلوی هسته جدای درجه یک کیلویی ۳۵۰ تومان و تازه ده درصد هم از شما کم می‌کنند به اضافه اینکه کم‌باری هم می‌زنند ولی هر کجای شهر بروید شلیل و هلو درجه یک را ۱۲۰۰ تومان تا ۲۰۰۰ تومان کمتر نمی‌دهند.

پریروز که حساب کردیم ۵ نفر کارگر ایرانی و یک مهندس کشاورزی به عنوان سرکارگر ۶۰۰ کیلو شلیل چیده بودند. هزینه صبحانه هر کدام ۲۵۰ تومان و ناهار هر کدام ۱۲۰۰ تومان و حقوق هر نفر ۱۵۰۰۰ تومان مخارج فقط برای هزینه برداشت.

یعنی کار ما شده مثل شعر گفتن فردوسی که زحمات سی ساله خود را به حمای و جامه‌دار و کیسه کش بدهیم و دست خالی و دلی پردرد از صحنه خارج شویم.

حالا یک سال هزینه‌های آبیاری، موتور، پمپ، گازوئیل و میلیون‌ها تومان هزینه‌های کارگر هرس کردن و علف زدن و سه میلیون تومان پول سم و سه میلیون تومان هزینه کود و دو تراکتور باغی و راننده آن همه در یک باغ ۱۰ هکتاری هزینه شده تا محصولی به دست آید که بهترین آن فقط جوابگوی برداشت آن باشد و هلو زعفرانی آن روی زمین ریخت و گندید و نابود شد در حالی که شاید مصرف‌کنندگان زیر خط فقری که تعداد آنها هم کم نیست و حال کار کردن هم



مخصوص این کار در اختیار افراد قرار می‌گرفت و هر سبد پری که به سرکارگر تحویل می‌دادیم یک ژتون به ما می‌داد و عصر طبق تعداد ژتون که داشتیم پول به ما می‌داد امسال هر چه کردم کارگران لر را که از چهارمحل برای چنین کارهایی به اصفهان می‌آیند و یا حتی کارگران اصفهانی را که سال‌ها با آنها کار می‌کردیم به این کار عادت دهم، قبول نکردند و میوه چینی را یک نوع تفریح و پیک‌نیک می‌دانستند که بایستی جای زیر درخت آماده باشد و چون میوه زیاد میل فرموده‌اند مرتباً جای شیرین روی آن پایین کنند و ناهار و صبحانه آنها مرتب باشد حتی سراغ جوجه‌کیاب هم می‌گرفتند و روزی ۱۵ یا ۱۶ هزار تومان را هم می‌گرفتند و فقط چند برابر آنچه میوه خورده بودند در سبد می‌ریختند!!

آیا دستگاه‌های عریض و طویل دولتی و یا تعاونی‌ها در این قسمت‌ها که گلوگاه تولید با صرفه و قیمت مناسب برای مصرف‌کننده است کاری نیست که بتوانند انجام دهند؟ مسلماً چرا!! ولی آن‌ها نه می‌خواهند و نه دلسوزی دارند زیرا وقتی حقوق و جای و ترانسپورت آنها مرتب است احتیاجی به ایجاد دردسر برای خود ندارند.

یکی از اقوام معرفی کرده بود به مدیریت مغازه برگماشتم و او باجناب خود را به عنوان فروشنده انتخاب کرده بود و با وادتی که در اختیار او قرار دادم محصولات میوه و تره‌بار را به مغازه فرستادم و هر چه می‌گفتم صورت حساب بده به هر عنوان طفره می‌رفت تا پس از یک ماه و نیم که اوتومبیل را از او گرفتم و صورت حساب مطالبه کردم متوجه شدم که ۵/۵ میلیون تومان محصولات کشاورزی مرا برده پول آن را گرفته

و خورده است و کمی هم به باجناب خود داده و اعلام می‌دارد که محصولات را اغلب کسی نمی‌خرد و دور می‌ریختیم بعد هم که او را اخراج کردم به در باغ رفته و گفته بود به نام اسلام باغ را مصادره کردم و باغبان را به باغ راه نمی‌داد. پس از یک سال شکایت و بردن چند نفر شاهد و صفحات متعدد مدرک و گواه، دادگاه رای داد که با وجود مشاهده سوء استفاده چون مشتکی عنه سوء نیتی نداشته لذا از اتهامات وارده تبرئه می‌شود پس از این آزمایش

و نتیجه معلوم شد که چرا در این مملکت از تولید به مصرف نمی‌تواند پا بگیرد.

اکنون که بسیاری از مردم چنین هستند و بسیاری دادگاه‌ها چنان پس بایستی طرح دیگری ریخت و آن طرح بسته‌بندی و قیمت زدن به وسیله خود تولیدکننده است! آیا دستگاه‌های دولتی حاضرند مجوزها را بدهند و سرمایه در اختیار مجریان چنین طرحهایی بگذارند؟ آن هم قابل شک و تردید است!

در یک تابستان برای کسب کمک هزینه تحصیلی در آمریکا به باغ تولید میوه چینی رفتم در آن جان‌زندان مناسب وسبد



نشده ندارد و از آن شن و ماسه و سنگ برده و خاک آن را توبره کرده‌اند! ببینید چه مصیبتی است که یک متخصص ۷۰ ساله با ۲۲ سال سابقه کار تحصیل و عمل در کشاورزی در خارج از کشور و ۴۰ سال کشاورزی در ایران بایستی در مقابل چند جوان خدا می‌داند کم‌سواد یا حسود قرار گیرد و به سوالات و تنگ‌نظری‌های آنها پاسخ دهد در حالی که هیچ کدام نگفتند کتابی، فیلمی و مآخذی به ما معرفی کن که اطلاعات ما بالا رود و بدانیم در چه سطحی با شما می‌خواهیم صحبت کنیم!!

آیا متخصصین و دانشمندان قدیمی را بایستی کنار زد و یا خانه‌نشین کرد و هر که دستش در اداره‌ای بند است و به نحوی عنوانی به او داده‌اند بایستی نظر دهد که معمولاً نظر او بازگشت به عقب است و افرادی که نه زبان می‌دانند، نه خارج تحصیل کرده‌اند و نه از علوم و دانش و پیشرفت‌های جدید خبر دارند هر نوع فکر تازه را به تمسخر می‌گیرند و با آن مخالفت می‌کنند!

دو سال قبل پیشنهاد عملی برای تولید و عرضه صادرات پیاز سالم دادم که می‌توانست بازارهای خوبی در کشورهای هم‌جوار پیدا کند ولی هیچ کس یعنی نه دولت و نه تعاونی و نه تولیدکننده به آن توجهی نکرد و امسال بایستی هزاران تن پیاز در انبارهای صحرائی تعاونی‌های دولتی بماند و بگندد و از بین برود!

در کشورهای مترقی سیستم از تولید به مصرف دست واسطه‌های بی‌انصاف را از چپاول مال تولیدکننده و مصرف‌کننده کوتاه می‌کند. من هم دو سال پیش چنین طرحی را خواستم انجام دهم و یک مغازه در تنها میدان میوه و تره‌بار آن موقع اصفهان اجاره کردم و فرد مذهبی نما را که

فروشگاه و موسسه شرکت کشت و دام اهواز

- نمایندگی فروش سموم بایر آلمان در خوزستان
- نمایندگی فروش ماشینهای باغبانی
- شرکت سبز گوش نگین در خوزستان
- نمایندگی فروش کودهای
- ارگانیک و شیمیایی کیمیا در خوزستان
- نمایندگی فروش بذر گلهای
- شرکت سبز پرور در خوزستان
- مشاوره و خدمات مهندسی در زمینه توسعه فضای سبز و حفظ محیط زیست

پاسدپریت مهندس علی محمد حسین پور کپوراز

تلفن: ۲۲۲۳۸۳ - ۶۱۱۲۲۸۷۵
 فاکس: ۰۶۱۱۲۲۳۳۸۳
 همراه: ۰۹۱۶۶۰۲۱۴۰۷
 اهواز - خیابان طالقانی - نبش حافظ - پلاک ۱۱۹